

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عن علي بن الحسين عليه السلام قال:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَبَوْهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهْجَ وَ حَوْضَ اللَّجْجِ﴾

الكافي، جلد 1، صفحه 35

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. 1398/9/24

عنوان:

آشنایی مختصر با مبانی حجیت اقوال علمای رجال

شناسنامه مطلب	
e-j-3	کد مطلب
علمی / سایر علوم / رجال و درایه / رجال	رده
خبر واحد، خبر تقه، انسداد صغیر، شهادت، تجمیع قرائن، حجیت	برچسب
1. این فایل، خلاصه برداشت یکی از طلاب عزیز از کارگاه حجة الاسلام آقای عبدالاحد قراری است. 2. پیشنهاد می‌شود پیش از مطالعه این فایل، جزوه سه گفتار در اعتبار و حجیت در منابع پژوهشی از سایت نمو مطالعه گردد.	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نمو

nomov.ir

➤ مقدمه:

بحث رجال مخصوص شیعه نیست، بلکه در بین علمای اهل سنت مباحث مربوط به علوم حدیث خیلی وسیع تر بحث شده است. یکی از اصلی ترین مباحث پایه، وجه حجیت اقوال رجالیون میباشد یعنی اینکه چرا حرف نجاشی و برقی و یا ذهبی و احمد حجت است؟

➤ حجیت

○ معنای حجیت چیست؟ و شاخص و میزان در آن چه چیزی است؟

اما معنای حجیت و اعتبار چیست؟ سابقاً گفته شد که حجیت و اعتبار با توجه به سنخ مسأله ای که میخواهیم اثبات بکنیم فرق می کند و سنخ مسئله متفاوت است. هر موقع بتوانید داخل در یک نظام، عقلایی، که عقلا آن را محور زندگی خود قرار میدهند و امورات خود را با آن تدبیر می کنند، برای یک داده بتوانید طوری استدلال بیاورید که دیگری باید بپذیرد و اگر نپذیرد به لجاجت و عناد محکوم بشود و عقلا او را تخطئه کنند به این حجیت و اعتبار میگوییم.

بلی، تاکید کردیم یک قسمتی از کار مربوط به نفس خود ما هست؛ یعنی خود ما هم برای اینکه مطمئن بشویم و چیزی را بپذیریم باید دنبال حجیت آن باشیم.

عامل قبول و رد کردن داده های مختلف حکم عقل به تبعیت از حقیقت است و شاخص حجیت و اعتبار درک عقلانی است. حکم روح جمعی عقلانی بشر تعیین میکند که در در چه سنخ دادههایی شما باید چه ویژگیهایی را ملاک حجیت بدانید.

○ متفاوت بودن مباحث حجیت در زمینه های مختلف

گفتیم که ممکن است در داده‌های ما با توجه به سنخی که دارند اعتبار و حجیت قیدهایی را بردارد و یا شکل آن فرق بکند¹. مثلاً گفتیم:

1. حجیت اصولی؛ اگر بخواهیم در زمینه احکام شرعی داده‌های ما معتبر باشد راه آن این است که حجیت را این طوری معنا بکنیم: حجیت؛ یعنی جایی که مولای، شما به شما به عنوان عبد مکلف خداوند متعال بفرماید که احکام من را از طریق این کانال بپذیر و احکام من اگر چنین ویژگی‌هایی داشتند و از این راه به تو رسیدند آنها معتبرند؛ یعنی عمل کن چرا؟ چون در زمینه احکام آن چیزی که معیار و محور است عمل کردن ما است. ما در احکام با عمل کردن کار داریم کل فقه برای عمل است. چون برای عمل هست پس حجیت در این جا یعنی چیزی که شما باید طبق او عمل بکنید و اگر عمل نکردید خداوند متعال میتواند شما را بازخواست کند و اگر عمل کردید در مقابل خداوند متعال دلیل دارید که خدایا من چون تکلیف شرعی را اینطوری میدانستم به آن عمل کردم و به تعبیر دیگر وقتی گفته میشود خبر واحد حجت است یعنی آن را بگیر و برو عمل کن، یعنی وقتی خبر متواتر بود و به قطع میرسیدی چه کار میکردی الان هم همان کار را بکن.

2. حجیت رجالی یا تاریخی: این حرف مطابق با واقع است و تکوینا اینطور است، مثلاً وقتی نجاشی بگوید فلان راوی ثقه است و در علم رجال بگوئیم حرف نجاشی حجت است یعنی اینکه آنچه نجاشی گفته (اینکه فلان راوی ثقه است) این قول او مطابق با واقع است و عبارت دقیق‌تر فرض کن واقع همین است.

وقتی هم میگوئیم قول فلان مورخ حجت است یعنی ظن اطمینان آور داریم که واقع همینگونه بوده است.

○ در حجیت بین امور حسی و امور حدسی تفاوت وجود دارد:

¹ البته باید دقت شود و چارچوب منظمی ریخته شود تا در دام تشکیک و مانند آن که در غرب مرسوم است، نیفتیم.

الف) امور حسبی و یا قریب به حس : برای مثال احراز عدالت امام جماعت به این شکل است: همینکه اهالی محل او را بشناسند و کاری که باعث سلب عدالت شود از او نبینند، عدالت احراز میشود.

و یا در احراز عدالت شاهد و بینه در دادگاه درباره پیامبر نقل شده است که بادیه نشینی برای شهادت نزد پیامبر آمدند و پیامبر برای تحقیق و تفحص درباره او دو نفر را ظاهرا به صورت جداگانه به قبیله او فرستادند.

ب) امور حدسی : مثلا در قیمت گذاری ، شارع به قول یک نفر هم حجیت داده است.

➤ سیر تاریخی توثیقات و تضعیفات رجالیون

۱. تا قرن ۵ که به نجاشی و شیخ طوسی ختم میشود.

در مورد رجالیون تا قرن ۵ این چنین بوده است که مثل احراز عدالت امام جماعت ، شاگردان زراره که زراره را میشناختند به شاگردانشان میگفتند که زراره ثقة است، و شاگردان شاگردان زراره به زراره اعتماد می کردند و آنها هم به نسل بعد می گفتند و آنها هم به طبقات دیگر میگفتند و همینطور ادامه پیدا کرد تا قرن ۵ که این توثیقات و تضعیفات توسط نجاشی و شیخ طوسی در قالب کتاب تدوین شد.

و این رجالیون عمدتا هم سلسله رواة را میشنیدند و سند دستشان بوده و هم اوصاف راوی ها را از استادشان میشنیدند و هر چه بوده از طریق نقل و روایت و خبر حسبی منتقل میشده ، و حدس و اجتهاد دخالت نمیکرده است.

البته در این میان منابعی هم از برخی از مصنفین شیعه بوده که بسیاری به دست ما نرسیده و عمده منابع ما، از نجاشی و دررتبه بعد از شیخ طوسی میباشد.

۲. رجالیون بعد قرن ۵ مخصوصا از زمان ابن داوود و علامه به بعد.

بعد از شیخ طوسی برخلاف رجالیون ما سبق، بیشتر توثیقات و تضعیفات از طریق اجتهاد و حدس مصنفین بوده است.

مثلاً علامه یک سری قرائن و شواهد را با یک سری مبانی نظری روی هم می‌گذاشته و می‌گفته فلانی ثقه است یا ضعیف است، که کتاب خلاصه الأقوال را با این روش نوشته است. و هم زمان با علامه، ابن داوود هم چنین رویه ای در علم رجال داشته است.

در کتب رجالی که بعدتر نوشته شده است اجتهادات به مراتب در نظرات دخیل‌تر بوده اند.

➤ اقوال و احتمالات در وجه حجیت قول رجالی:

الف) از باب حجیت خبر ثقه.

مرحوم خوئی: حجیت قول رجالی از باب حجیت خبر ثقه در موضوعات است. لذا در خود رجالی هم امامی بودن شرط نیست و صرف وثاقت کافی است. بنابراین قول امثال علی بن حسن بن فضال فطحی هم در تضعیف و توثیق پذیرفته میشود.

نکته: حجیت قول ثقه از باب حس بوده و در نتیجه اگر قائل به این مبنا باشیم، نظر رجالیون متاخر معتبر نیست زیرا اقوالشان مستند به اجتهاداتشان است.

ب) حکم عقل به ضرورت رجوع به خبره در فنون مختلف

حکم عقل به این بیان که، در صورت عمل نکردن اختلال نظام پیش می‌آید، دلالت میکند که در هر فنی به اهلش رجوع کرد؛

پس قول نجاشی حجت خواهد بود از این جهت که او اهل فن است نه از این باب که ناقل است.

مرحوم مامقانی (در تنقیح المقال که به مشهور هم نسبت میدهد): حجیت قول رجالی از باب حجیت قول خبره است؛ که در این صورت وثاقت عقلایی شرط است، نه عدالت. بنابراین قول غیرامامی نیز پذیرفته است.

مانند: فتوای مفتی و قول لغوی در نظر مرحوم مظفر و نظر کارشناس در قیمت صحیح و معیب کالای فروخته شده

نکته:

- (۱) تعدد رجالی لازم نیست و قول یک نفر هم کفایت میکند.
- (۲) رجالیون متقدم و متاخر تفاوتی در اصل اعتبار ندارند.
- (۳) قول غیرامامی نیز پذیرفته است.

ج) شهادت

صاحب معالم: حجیت قول رجالی از باب حجیت بینه (دو شاهد عادل) است؛ پس حتما باید از روی حس باشد و حداقل دو شاهد عادل (تقه امامی) باشند.

چند نکته:

- (۱) رجالی باید عادل باشد و وثاقت کافی نیست.
- (۲) باید مرد باشد.
- (۳) نیاز به تعدد دارد.
- (۴) باید عن حس باشد.

(د) انسداد صغیر (اعطای حجیت با ظن خاص از طریق انسداد صغیر)

از بعضی کلمات آیه الله شیبیری استظهار میشود: حجیت قول رجالی از باب ظن حاصل در ظرف انسداد است؛ که در این صورت اگر دسترسی به ثقه ممکن نباشد، قول غیرثقه نیز پذیرفته میشود.

شیخ نیز در بحث قول لغوی نهایتاً به همین جا میرسد که میگوید اگر ما قول لغوی را نپذیریم به بن بست میخوریم، در رجال هم همین است.

چند نکته:

(۱) عدم فرق قدما و متاخر

(۲) عدم فرق بین رجالی عادل و غیرعادل، مرد و زن، ثقه و غیرثقه

(هـ) تجمیع قرائن

تحصیل اطمینان از اقوال رجالیون بوسیله تراکم ظنون خیلی سخت است.

در مقایسه بین ویژگی‌های بحث رجال با بحث لغت مشخص میشود که:

بعضی ویژگی‌ها در لغت هست که بوسیله آن‌ها میتوان تجمیع ظنون کرد اما متأسفانه در رجال چنین چیزهایی نداریم و به خاطر اینکه تاریخ و اطلاعات دقیق و کاملی از راوی‌ها نداریم نمیتوانیم از این طریق جلو برویم و اگر تلاش کنیم نسبت به راویان محدودی می‌شود این کار را کرد.

چند نکته:

(۱) در این مبنا اصلاً قول رجالی حجت مستقل نیست و مسامحه در اینجا ذکر شده است.

است.

(۲) اثبات حجیت ظن حاصل از تجمیع ظنون، محل اختلاف بوده و نیاز به بررسی دارد.

(و) سیره

سیره حکم عقلایی است به رجوع هر جاهلی در هر فنی به اهل خبره آن فن.

یک تطبیق: نکاتی که در مورد تقدیم نجاشی بر سایر رجالیون در فرض تعارض گفته شده ، مانند کوفی بودن نجاشی، تقدم زمانی بر علامه و ابن داوود و ... طبق مبنای شهادت معتبر نیستند ، اما طبق مبنای تجمیع ظنون یا رجوع به اهل خبره معتبرند.

و طبق مبنای حجیت خبر چنان چه در صفات راوی قائل به تعدی از منصوص به غیرمنصوص باشیم معتبرند و الا فلا.